فراسو

هزارتوی رمان

نگاهی به ۱۰ رمان و داستان بلند برتر سال ۲۰۱۹

هدی جاودانی| با نزدیک شدن به پایان سال ۲۰۱۹ میلادی، بسیاری از نویسندگان و منتقدان ادبی به معرفی فهرست بهترین رمان‌ها یا مجموعه اشعار یا مجموعه‌داستان‌های کوتاه مورد نظر خود که در این سال چاپ شده، پرداخته‌اند. مجلات، روزنامه‌ها یا هفته‌نامه‌های مشهوری چون تایم، نیویورک تایمز، واشنگتن پست، نیویورکر، گاردین و خیلی‌های دیگر نیز هریک به تناسب سلیقه منتقدان ادبی خود، فهرست آثار برگزیده‌شان را انتشار داده‌اند. با وجود تعداد بالای فهرست‌های انتشاریافته، با نگاهی گذرا نام چند نویسنده بیش از دیگران به چشم می‌خورد؛ اوشن وونگ، مارلون جیمز و مارگارت اتوود از جمله صاحبان این نام‌ها هستند که توانسته‌اند با آثار مؤخر خود در سال جاری جلب توجه کنند. آنچه در پیش رو می‌بینید، فهرست ۱۰ رمان/داستان بلند برتر سال ۲۰۱۹ از دیدگاه مجله تایم است که اواخر نوامبر ۲۰۱۹ آن را انتشار داده است. در ادامه معرفی هر کتاب سعی شده اطلاعاتی مختصر مبتنی بر دیدگاه منتقدان ادبی درباره اثر و وضعیت انتشار و ترجمه آثار نویسنده آن در ایران ارائه شود.

● ۱۰. استخوان مردگان را شخم بزن، اولگا توکارچوک

(Drive Your Plow Over the Bones of the Dead, Olga Tokarczuk)

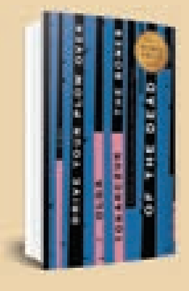

اولگا توکارچوک، برنده نوبل ۲۰۱۸ ادبیات، ذهن خلاق خود را با داستان جانینا، زن شصت‌ساله لهستانی که علاقه‌ای فرازمینی به حیوانات دارد، ورز می‌دهد، عشقی که بیشتر به واسطه خشمی است که او در تقابل با شکار بی‌رحمانه حیوانات به دست مردم روستای کوچکش دارد. در پی وقوع قتل‌هایی سریالی در روستا، جانینا گمان می‌برد که قتل‌ها با شکار حیوانات ارتباطی معنادار دارند و با این سوءظن، بدون اجازه در کار مأموران پلیس در روند پیگیری پرونده دخالت می‌کند. توکارچوک در روایت خود با خلق پرسش‌هایی اساسی به این نکته می‌پردازد که چه کسانی صدایشان هیچ‌گاه شنیده نمی‌شود و چه کسانی همواره در اولویت شنیده شدن قرار دارند. شناسنامه‌ای برای کتاب «استخوان مردگان را شخم بزن» با همین نام و با ترجمه هانیه مهرمطلق به نام نشر گویا در تارنمای سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسیده، اما تاریخ دقیقی از زمان انتشار آن در دست نیست.

● ۹. مدرسه توپیکا، بن لرنر

(The Topeka School, Ben Lerner)

بن لرنر، رمان‌نویس و شاعر، در این داستان جهان فکری یک دانش‌آموز دبیرستانی زیرک و بی‌رحم، پدر و مادر روان‌شناس او و هم‌کلاس تنبل و جداافتاده‌اش را درهم‌می‌آمیزد و جلوه‌هایی از یک مردانگی زودهنگام و ناپخته را با صراحت از زبان شخصیت به تصویر می‌کشد. آدام گوردون، شخصیتی که در رمان اول لرنر، «ترک ایستگاه قطار آتوکا»، مرد بزرگ‌سال شاعری بود، در این اثر، سخنور ماهری است که به‌آسانی فضای اجتماعی مدرسه و خانه‌اش را در دست می‌گیرد. عطشی که او برای پیروزی در رقابت‌ها از خود نشان می‌دهد، حریفانش را همواره پراکنده می‌کند. گاردین «مدرسه توپیکا» را موفق‌ترین تجربه لرنر در برقراری تناسب میان تجربه اجتماعی (باورها و کلیشه‌های مشترک برخاسته از یک فرهنگ) و تجربه فردی (خصوصیت‌ها و شالوده زبان شاعرانه) بدون تغییر در ماهیت آن‌ها دانسته است. بن لرنر نویسنده نسبتا تازه‌کاری است اما در عمر کوتاه نویسندگی‌اش جایزه‌های ادبی بسیاری را برای اشعار و رمان‌هایش از آن خود کرده است. با وجود این، هنوز اثری از او به فارسی ترجمه نشده است.

● ۸. آنجا که دیگر دلیلی نیست، یی‌یون لی

(Where Reasons End, Yiyun Li)

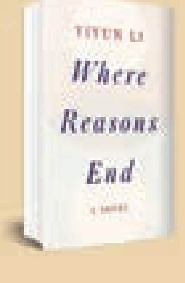

روایت ویران‌کننده‌ای که از دل یک داستان واقعی متولد می‌شود. «آنجا که دیگر دلیلی نیست» درباره مادری است که با پسر مرده خودکشی کرده‌اش به گفت‌وگو می‌نشیند. لی این رمان تأثیرگذار را به دنبال خودکشی پسر خود و برای زنده نگه داشتن یاد او می‌نویسد. راوی داستان پسر شانزده‌ساله‌اش، نیکولای، را در دنیایی میان قلمرو مردگان و زندگان ملاقات می‌کند. هنگامی که آن ۲ همانند گذشته با یکدیگر به گفت‌وگو می‌نشینند، نویسنده با عبور از محدودیت‌های زبانی موقعیتی را فراهم می‌سازد که در آن نه‌تنها دلخراش‌ترین دردها بلکه آتشین‌ترین عشق‌ها نیز تسکین می‌یابد. «آنجا که دیگر دلیلی نیست» در سال جاری با برگردان فارسی آرزو احمی در انتشارات برج به ثبت رسیده، اما هنوز روانه بازار نشده است. در ایران، یی‌یون لی تا اندازه‌ای شناخته شده و آثار مشهوری مانند ۲ مجموعه داستان «مرگ شوخی بدی نیست و داستان‌های دیگر» و «پسر طلا و دختر زمرد» از او به چاپ رسیده است.

● ۷. «بر روی زمین به‌ندرت می‌درخشیم»، اوشن وونگ

(On Earth We're Briefly Gorgeous, Ocean Vuong)

شاعر موفق و جوان آمریکایی-ویتنامی، اوشن وونگ، با اولین رمانش، «بر روی زمین به‌ندرت می‌درخشیم»، که از زندگی خود او الهام گرفته شده، در سال ۲۰۱۹ ورود خیره‌کننده‌ای به دنیای داستان داشته است. وونگ در این اثر، زبان اغواگر و شاعرانه‌اش را برای توصیف زندگی «سگ کوچک» به خدمت می‌گیرد. سگ کوچک، شخصیت اول داستان که به این نام ملقب شده، پسری ویتنامی است که با مادر و مادربزرگش، خانواده‌ای از نجات‌یافتگان جنگ ویتنام را تشکیل می‌دهند. آن‌ها در کنتیکت زندگی می‌کنند. پسر ویتنامی آسیب‌های روحی فراوانی را به دوش می‌کشد. او در نامه‌ای به مادر بی‌سواد خود، که در گذشته همواره با خشونت با او رفتار می‌کرده، ردپای کودکی غم‌انگیزش را در آنچه امروز برایش به بار آمده دنبال می‌کند. او در نهایت، با پناه گرفتن میان دنیای کتاب‌ها و نوشته‌ها به آرامش دست می‌یابد. رون چارلز در واشنگتن پست «بر روی زمین به‌ندرت می‌درخشیم» را روایتی درخشان خطاب کرده و دوایت گارنر در نیویورک تایمز به توصیفات وونگ در این اثر نتوانسته صفتی کمتر از «عالی» بدهد. تاکنون هیچ اثری از این شاعر و نویسنده به فارسی ترجمه نشده و به نظر، وقت آن رسیده که مترجمانی شایسته، برای معرفی اوشن وونگ در ایران هرچه زودتر دست‌به‌کار شوند.

● ۶. تمرین اعتماد، سوزان چوآ

(Trust Exercise, Susan Choi)

روایت «تمرین اعتماد» فضایی آمیخته به حال‌وهوای دوران نوجوانی را در یک مدرسه هنرهای نمایشی به تصویر درمی‌آورد. ۲ نوجوان به نام‌های سارا و دیوید به یکدیگر علاقه‌مند می‌شوند و مورد داوری اطرافیانشان، هم‌کلاس‌ها و معلم تئاترشان قرار می‌گیرند. سوزان چوآ، برنده جایزه ملی کتاب آمریکا، جهان معمولی و در عین حال پرتنشی را به نمایش می‌گذارد که با نوعی احساس ناامنی و واقع‌گرایی تلخ و مشقت‌بار همراه می‌شود. او در میانه رمان، با تغییر زاویه دید صداقت روایت را زیر سؤال می‌برد و با به‌کارگیری ساختاری نامألوف، درباره قدرت و سوءاستفاده از آن، حقایقی را آشکار می‌کند. لارا فیگل در گاردین «تمرین اعتماد» را در راستای پویش «من هم» (#me_too) می‌داند، که در اکتبر ۲۰۱۷ در اعتراض به گسترش تجاوز و آزار جنسی در شبکه‌های اجتماعی راه افتاده بود. به عقیده او، رمان با تلاشی ستودنی نشان می‌دهد که چگونه کسی، بدون آنکه از قربانی بودن خود باخبر باشد، می‌تواند از عمیق‌ترین زخم‌ها رنج ببرد. هیچ‌یک از آثار سوزان چوآ نیز به فارسی ترجمه نشده است و به نظر می‌رسد با موفقیتی که او روزبه‌روز در فروش آن‌ها به دست می‌آورد، به‌زودی مترجمانی ایرانی آثارش را به دست بگیرند.

● ۵. پلنگ سیاه، گرگ سرخ، مارلون جیمز

(Black Leopard, Red Wolf, Marlon James)

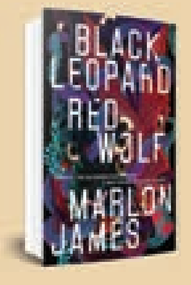

مارلون جیمز در جاه‌طلب‌ترین رمان سال ۲۰۱۹، یک فانتزی حماسی به نام «پلنگ سیاه، گرگ سرخ»، به خلق جهان‌هایی رمزآلود و اهریمنی روی می‌آورد. برخلاف دیگر آثار این ژانر که عمدتا مملو از شاهزاده‌های زیبا، شوالیه‌های دلیر و اژدهای خشمگین است، اثر اخیر جیمز، که به گفته خودش نخستین جلد از یک سه‌گانه است، به اساطیر و تاریخ آفریقا گریز می‌زند و عالمی غریب با بیش از ۸۰ شخصیت -پرندگان خون‌آشام، کودکان نامرئی، پریان دریایی، کفتارهای انتقام‌جو و ...- پدید می‌آورد. در این جهان خطرناک، سرسبز و نامألوف، مردی وجود دارد که به حس بویایی و مهارت شکار بی‌همتای خود شهرت پیدا کرده است. او با هدف ردیابی و پیدا کردن کودکی گمشده به گروهی می‌پیوندد و جست‌وجوی آن‌ها روایت را پیش می‌برد. مارلون جیمز که پیش از این با رمان «تاریخچه هفت قتل» خود جایزه بوکر را از آن خود کرده بود، در این اثر با به کار بردن گویش‌های بومی جامائیکا و زبانی خلاق و غنی، در ابتدا مخاطب را به چالش وامی‌دارد و سپس به تمامی غرق می‌کند. در فوریه ۲۰۱۹، پیش از انتشار کتاب، حق امتیاز اقتباس سینمایی آن نیز فروخته شد و به‌زودی فیلمی از روی آن ساخته می‌شود. از مارلون جیمز نیز تا به حال اثری به فارسی برگردانده نشده و احتمالا در آینده‌ای نزدیک مترجمان ایرانی هم برای ترجمه آثارش با یکدیگر به رقابت بپردازند.

● ۴. نیاز، هلن فیلیپس

(The Need, Helen Phillips)

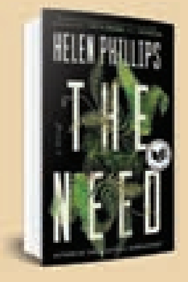

داستان «نیاز» آغازی کلاسیک دارد: زن صدای ورود کسی به خانه را می‌شنود، در حالی که همسرش دور از خانه و در سفر است، کودکان خردسالش را بغل می‌گیرد و با وحشت در گوشه‌ای مخفی می‌شود. اما مهارت واقعی هلن فیلیپس هنگامی بر خوانندگانش آشکار می‌شود که مولی، مادر خانواده که باستان‌شناس است، وحشت مواجهه با فرد متجاوز را، تنها کسی که توانسته هویت او را به عنوان یک مادر زیر سؤال ببرد، تجربه می‌کند. نویسنده در رمان «نیاز» از اضطراب وصف‌ناپذیر یک مادر پرده برمی‌دارد، اضطرابی که از عشقی حقیقی نشئت می‌گیرد و با مسئولیت سنگین محافظت از فرزندان همراه است. هلن فیلیپس در ایران تنها با ترجمه یکی از داستان‌های کوتاهش معرفی شده است. «آن‌ها که می‌دانند» در یک مجله ادبی به چاپ رسیده است.

● ۳. بایگانی کودکان گمشده، والریا لوئیزلی

(Lost Children Archive, Valeria Luiselli)

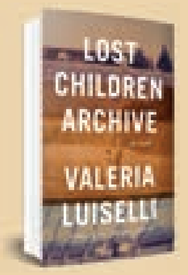

والریا لوئیزلی مکزیکی در نخستین رمان خود به زبان انگلیسی، از خانواده چهارنفره‌ای می‌گوید که در مسافرتی زمینی، جاده نیویورک به مرز مکزیک را طی می‌کنند. زن و مرد بر سر یک پروژه کاری مشترک، ثبت و مستندسازی مجموعه‌ای از صداهای طبیعت نیویورک، به یکدیگر علاقه‌مند می‌شوند و اشتیاق آن ۲ به صوت، متن لوئیزلی را گیرا و خواندنی کرده است. بخشی از هدف این سفر، جست‌وجوی زن به دنبال دختر یکی از دوستانش است که در مرز گرفتار شده. «بایگانی کودکان گمشده» بیانیه‌ای خشمگین علیه سیاست‌های آمریکا در مرز مکزیک است و با زیرکی تمام، تجربه کودکان مهاجر را به زبانی ساده و دل‌نشین به نمایش می‌گذارد. در کشور ما پیش از این، «اگر به خودم برگردم: ۱۰ جستار درباره پرسه در شهر» از والریا لوئیزلی چاپ شده و «بایگانی کودکان گمشده» هنوز به قلم مترجمی فارسی‌زبان ترجمه نشده است.

● ۲. وصیت‌ها، مارگارت اتوود

(The Testaments, Margaret Atwood)

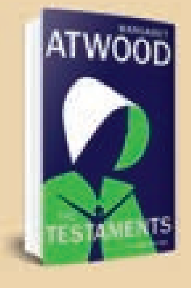

مارگارت اتوود پس از گذشت ۳۴ سال از انتشار «سرگذشت ندیمه»، مشهورترین اثرش، بار دیگر به داستان حکومت گیلیاد بازگشته تا رژیم‌های سرکوبگر را بیشتر کندوکاو کند. در حالی که «سرگذشت ندیمه» زندگی در حکومتی توتالیتر را از زاویه‌دید زنی به نام آف‌فرد روایت می‌کند، «وصیت‌ها» زاویه دید خود را وسعت می‌بخشد و برآمدن و سقوط رژیم را از دیدگاه ۳ نفر شرح می‌دهد. اگنس جمیما در گیلیاد بزرگ می‌شود و خود را برای یادگیری وظایفی آماده می‌کند که باید به عنوان همسری مطیع و در عین حال شایسته فرابگیرد. دیسی نوجوانی پرجوش‌وخروش است که در کانادا زندگی و علیه بی‌عدالتی و تبعیض در جامعه‌اش اعتراض می‌کند. خاله لیدیا هم رهبر شرور و بی‌رحمی است که از «سرگذشت ندیمه» او را به یاد داریم و حالا ارتباطی بسیار پیچیده‌تر از داستان قبلی با رژیم پیدا کرده است. نتیجه این ۳ زاویه دید، دنباله خواندنی و ارزشمندی را برای ویران‌شهر اتوود پدید آورده است. اتوود در ایران نامی شناخته‌شده است و «سرگذشت ندیمه»، «آدمکش کور» و «اوریکس و کریک» از جمله رمان‌های ترجمه‌شده او به فارسی است. رمان اخیر این نویسنده با عنوان‌های «وصیت‌ها»، «وصایا» و «وصیت‌نامه‌ها» هم‌زمان توسط چند مترجم به ثبت رسیده اما هنوز روانه بازار نشده است.

● ۱. پسران نیکل، کولسون وایتهد

(The Nickel Boys, Colson Whitehead)

وایتهد پس از داستان موفق خود، «راه‌آهن زیرزمینی»، که جایزه پولیتزر ۲۰۱۷ را به دست آورده است، تصمیم می‌گیرد دوباره به تاریخ درد و رنج برده‌داری در آمریکا بپردازد. «پسران نیکل» داستان ۲ پسر نوجوان به نام‌های الوود و ترنر را دنبال می‌کند که به زندگی در دارالتأدیبی محکوم می‌شوند که قوانینی غیرانسانی بر آن حاکم است. این روایت دردناک و واقعی از ماجرای سوءاستفاده از پسران مدرسه آرتور دوزیر الهام گرفته شده است. الوود و ترنر به همراه دیگر دوستانشان با شرایط تبعیض‌آمیز و ناعادلانه زندگی خود و حسرت آینده روشنی که کشورشان هیچ‌گاه به آن‌ها به عنوان مردانی سیاه‌پوست اعطا نخواهد کرد، در ستیزند. نثر غنی وایتهد از نشان‌های رئالیسم جادویی «راه‌آهن زیرزمینی» عبور می‌کند و در عوض، امیدهای واقع‌گرایانه، آرزوهای بربادرفته و شکیبایی شخصیت‌ها را به نمایش می‌گذارد. او جهانی رعب‌آور را با کلماتی مهرانگیز ارائه می‌کند و دلسوزانه مخاطب را از پیامدهای زندگی در دورانی مملو از خشونت آگاه می‌سازد. «راه‌آهن زیرزمینی» با چند ترجمه به فارسی منتشر شده و «پسران نیکل» نیز با نام چند انتشارات و چند مترجم به ثبت رسیده، اما هنوز روانه بازار نشده است.

زندگی با عکاسی

حاشیه‌های یک عکس سرقتی

بررسی انتقادات مطرح شده به برگزیده شدن یک اثر در جشنواره ملی عکس رضوی و پاسخ دبیر تخصصی جشنواره

گروه هنرا| روز گذشته انتشار یکی از عکس‌هایی که به نمایشگاه نهمین جشنواره ملی عکس رضوی راه پیدا کرده است، سروصدایی بسیاری در فضای مجازی به راه انداخت. این عکس که متعلق به محمد زائرنیا، عکاس مشهدی، است، با نام سیروس قره‌گوزلو از تهران در بخش حرفه‌ای این جشنواره برگزیده و در نمایشگاه این رویداد به نمایش گذاشته شد.

در فراخوان جشنواره عکس رضوی که نیمه مهر امسال منتشر شده بود، تنها آمده است که «دبیرخانه، ارسال‌کننده عکس را صاحب اثر می‌شناسد. درصورت اثبات خلاف، اثر حذف می‌گردد.» حال آنکه در این فراخوان هیچ ملاکی برای اثبات مالکیت عکس اعلام نشده است.

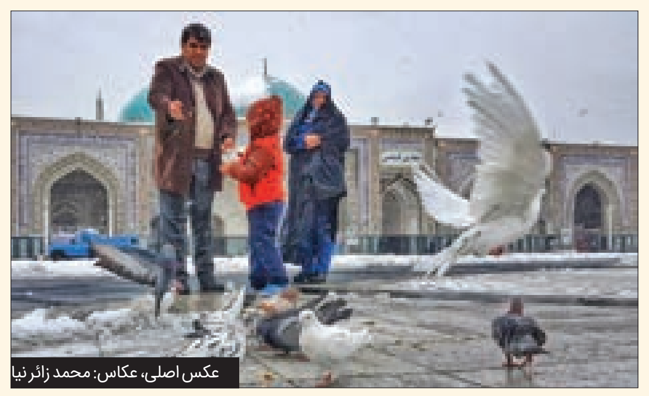

عکس اصلی، عکاس: محمد زائرنیا

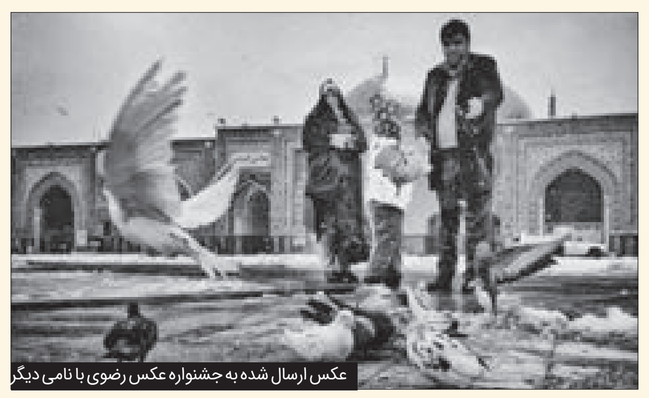

عکس ارسال شده به جشنواره عکس رضوی با نامی دیگر

● هیچ جشنواره‌ای فایل raw نمی‌گیرد

در جشنواره‌های معتبر، معمول است برای سنجش صحت و سقم ادعای عکاس درباره اینکه عکس از آن او است یا نه، روش‌های مختلفی را اعمال کنند، که دریافت فریم‌های قبل و بعد عکس یا دریافت نسخه خام «raw» متداول‌ترین این روش‌هاست.

وقتی با مهدی زابل عباسی، دبیر تخصصی این جشنواره، این موضوع را مطرح می‌کنیم، او در پاسخ می‌گوید: هیچ کدام از جشنواره‌های عکس فایل raw از عکاس نمی‌گیرند، مگر زمانی که بنا باشد کتاب جشنواره چاپ شود: «اگر جشنواره‌ای پیدا شد که فایل raw گرفته باشد، آن وقت من قبول می‌کنم که چرا فایل raw نگرفته‌ام. حتی آقای زائرنیا که ادعا کرده عکس متعلق به او است، فایل raw برای من نفرستاده است.»

این ادعا درحالی مطرح می‌شود که عکس محمد زائرنیا، در سال ۲۰۱۶ با موبایل ثبت شده و حجم آن ۴ مگابایت است و زائرنیا فایل اصلی این عکس را تنها برای جشنواره خانه دوست ارسال کرده است. همچنین براساس مشاهداتمان از فراخوان جشنواره‌های نام آشنایی چون «عکس فیروزه» و «عکس خیام» و... ارسال فایل raw و یک فریم قبل و بعد عکس اصلی اجباری است. زابل عباسی در بخش دیگری از این مکالمه می‌گوید: وقتی آقای قره‌گوزلو عکس را با کد ملی و شماره تماس و نشانی بارگذاری کرده است، جشنواره هیچ شک‌وشبهه‌ای برایش نمانده تا بخواهد ببیند این فایل سرقتی است یا نه.

زابل عباسی اظهار می‌کند: محمد زائرنیا ۴۸ساعت پیش با او تماس گرفته و این موضوع را به او اطلاع داده و دبیرخانه بلافاصله اثر مزبور را از دیوار نمایشگاه برداشته است تا این موضوع مشخص شود: «بعد از تماس‌های پیاپی با آقای قره‌گوزلو، او جواب نداد و کد ملی، نشانی و شماره تلفن او نیز اشتباه بود و ما متوجه شدیم که عکس متعلق به چنین فردی با مشخصات ارسال‌شده نیست.»

به نظر دبیر تخصصی جشنواره عکس رضوی، کسی که فایل ۸مگاپیکسلی می‌فرستد، قطعا به فایل عکس دسترسی داشته است؛ حال یا از یک جایی فایل عکس را سرقت کرده یا از طریق عکاس عکس به او رسیده است.

● از کسانی که ما را زیر سؤال بردند شکایت می‌کنیم

زابل عباسی می‌گوید: ما در فراخوان جشنواره نوشتیم کسی که عکس را ارسال کند مالک عکس است و حال اگر سیروس قره‌گوزلو را پیدا کنیم، می‌توانیم از او شکایت کنیم. همچنین از کسانی که دبیرخانه و جشنواره را زیر سؤال بردند، شکایت می‌کنیم تا در برابر حرف و حدیث‌هایی که راه انداختند پاسخ‌گو باشند: «تخریب جشنواره که حدود ۳۰نفر برای آن زحمت کشیدند، خیلی اتفاق زشت و به‌نوعی کینه‌ورزی است. به نظر من این حرکت برنامه‌ریزی شده است و من حتی فکر می‌کنم فردی از مشهد این کار را انجام داده باشد. من به آقای افشین تحفه‌گر، معاون فرهنگی و مطبوعاتی اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، هم نامه نوشتم تا این موضوع را پیگیری کنند.»

اما محمدزائرنیا در گفت‌وگو با شهرآرا با بیان اینکه هیچ شکایت و دلخوری از انجمن عکاسان استان و به‌تبع دبیرخانه جشنواره عکس رضوی ندارد، می‌گوید: واکنش من به این اتفاق در فضای مجازی صرفا در اعتراض به این بی‌اخلاقی هنری بوده است.

هنر شهری

اعلام نتایج بخش یادمان‌های شهری در جشنواره خانه بهار

نفرات برتر بخش یادمان‌های شهری جشنواره خانه بهار ۹۹ با رای شورای انتخاب، شورای اجتماعی محلات و شورای مدیران شهرداری معرفی شدند. به گفته صدرا یوسفی، دبیر سومین جشنواره هنرهای شهری مشهد، پس از انتشار فراخوان جشنواره یادمان‌های شهری، ۸۵۱طرح از ۳۶شهر کشور به دبیرخانه ارسال شد که ازمیان آن‌ها ۷۴اثر برای اجرا در سطح شهر به نظرسنجی گذاشته شد. یوسفی درباره نحوه انتخاب آثار برگزیده توضیح داد: بعد از جمع‌بندی دیدگاه‌های سه گروه شامل شورای انتخاب(متخصصان)، جمعی از منتخبان شورای اجتماعی محلات(مردمی) و شورای مدیران شهری، ۵۸اثر به‌صورت قطعی و مشروط برای اجرا در بهار ۹۹ انتخاب شدند. همچنین مهدی صحراگرد، دبیر بخش یادمان‌های شهری سومین جشنواره هنرهای شهری مشهد، و محمدحسین ماموریان، امیر خالقی و علی بوذری، داوران این بخش از جشنواره امسال بوده‌اند. هنرمندان برای دریافت اسامی و آثار برتر می‌توانند به آدرس khanebahar.ir مراجعه کنند.

رونمایی از سردیس «ملک‌الشعرای بهار»

خیابان
ملک الشعراء بهار

سردیس ملک‌الشعرای بهار، اثر مجسمه‌ساز مشهدی، عطا صحرایی، روز گذشته رونمایی شد. این سردیس که از جنس فایبرگلاس و در مقیاس ۹۰ سانتی‌متری ساخته شده و بر روی پایه‌ای به ارتفاع یک متر و ۲۰ سانت قرار گرفته، در ابتدای خیابان ملک‌الشعرای بهار مشهد جانمایی شده است. احسان اصولی، رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی، زیارت، گردشگری و رسانه شورای شهر، محمدمحسن مصحفی، معاون فرهنگی اجتماعی شهردار مشهد و صدرا یوسفی، مدیرعامل خانه هنرمندان، در این مراسم حضور داشتند.

صاحب خبر

شکوه شعر و تصویر با فرشید مثقالی

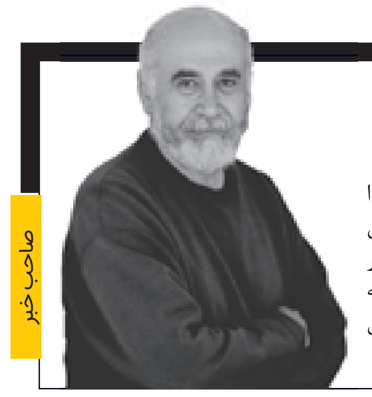

بزازان| فرشید مثقالی، طراح گرافیک، تصویرگر کتاب‌های کودک و نوجوان و برنده ایرانی جایزه هانس کریستین آندرسن، برای شرکت در همایش شکوه شعر و تصویر در آثار ادبی کودک و نوجوان به مشهد می‌آید. در این همایش مثقالی درباره عناصر تصویرسازی و رابطه میان متن و تصویر در آثار ادبی کودک و نوجوان سخن خواهد گفت. همچنین شکوه قاسم‌نیا، شاعر و نویسنده، در این نشست مثقالی را همراهی خواهد کرد. علاقه‌مندان برای شرکت در این همایش که فردا از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۱:۳۰ در ساختمان مرکزی دانشگاه امام رضا(ع) برگزار می‌شود، می‌توانند عدد۵ را به سامانه پیامکی ۵۰۰۰۵۰۰۰۰۳۸۰۴۱ ارسال کنند.

یادداشت

معیار تنظیم رفتار در موعظه حضرت مسیح(ع)

حجت‌الاسلام محمدرضا جواهری
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی

موعظه‌های حضرت مسیح، عیسی‌بن‌مریم(ع)، پیامبر اولوالعزم الهی برای حواریون و اصحاب خویش امروز نیز برای جهانیان سودمند و راهگشاست. منبع معتبر برای آگاهی از انجیل حقیقی و آن موعظه‌های آسمانی، قرآن و حدیث اهل‌بیت(ع) است. پیامبران و امامان دارای علم لدنی بی‌اشتباه بوده‌اند و همین موعظه‌ها را برای مسلمانان بیان نموده‌اند.

با توجه به اینکه حضرت مسیح(ع) همراه و یاور بزرگ حضرت مهدی(عج) در انقلاب جهانی الهی در پایان تاریخ است، سزاوار است پیروان اهل‌بیت(ع) این موعظه‌های پایدار حضرت مسیح(ع) را از کلام اهل‌بیت(ع) دریافت نمایند و به آن عمل کنند.

یعقوب‌بن‌سالم از امام جعفرصادق(ع) روایت کرده که ایشان فرموده‌اند: «قَالَ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ عَلَیْهِ السَّلَامُ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ: مَا لَا تُحِبُّ أَنْ یُفْعَلَ بِکَ فَلَا تَفْعَلْهُ بِأَحَدٍ» (الامالی شیخ صدوق، ص ۳۶۶* رَوضَةُ الواعِظینَ وَبَصیرَةُ المُتَّعِظینَ فتال نیشابوری، وفات ۵۰۸، ج ۲، ص ۴۷۰* بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۸۷ و ج ۷۳، ص ۴۰۷ و ج ۷۴، ص ۱۵۷)؛ «عیسی‌بن‌مریم(ع) به برخی از اصحاب خود گفت: آنچه را دوست نداری که دیگران درباره تو انجام دهند و کاری را که نمی‌پسندی نسبت به تو انجام گردد، آن کار را نسبت به احدی انجام نده».

در این موعظه حضرت مسیح(ع) درس‌های بزرگی برای جهان مسیحیت و مسیحیان و همه پیروان و دوستداران آن حضرت وجود دارد. پایبندی به این دستور اخلاقی مسیحی راه تقریب ادیان و پایان خون‌ریزی‌ها و درگیری‌های بین ادیان است. عمل به این وصیت و سفارش باعث برقراری امنیت و ارتباطات متقابل ادیان و آسایش بشر و رهایی از رذیلت‌های اخلاقی است. سزاوار است هرکس به حضرت مسیح علیه‌السلام ایمان و علاقه دارد، این راه را بپیماید.

اگر انسان‌ها از هر کاری که دوست ندارند و نمی‌پسندند دیگران در روابط با آنان انجام دهند پرهیز و دوری کنند، ارتباطات اجتماعی از ناهنجاری‌ها پالایش می‌شود و در وضع مطلوب قرار می‌گیرد.

پیام سلبی صریح و مستقیم این موعظه انجیلی و عیسوی، اجتناب از زشتی‌ها و بدی‌ها در زندگی اجتماعی و حیات سیاسی و اقتصادی و قضایی است. در این راستا هر مسیحی و هر مسلمانی باید در زندگی از هر آنچه که از افراد و اشخاص دیگر در برخورد با خویش نامناسب می‌بیند و نگران می‌شود و از آن رنج می‌برد و ناراحت خواهد شد، دوری کند. خودداری از اعمالی که هر انسانی از آن‌ها خشمگین و عصبانی می‌گردد، عامل برقراری روابط سالم اجتماعی است. پس با عمل به این موعظه روابط اجتماعی نیز سالم‌تر خواهند شد.

اما فراتر از این پیام سلبی، درون این موعظه الهی یک پیام ثبوتی و ایجابی نیز نهفته است و آن این حقیقت اخلاقی بزرگ است که شایسته است هرکس تنها هرآنچه را از رفتار دیگران با خود می‌پسندد و از آن خوش‌حال می‌شود و دوست می‌دارد، در برخورد با مردم انجام بدهد. عقل انسان، فطرت توحیدی، وجدان اخلاقی، آموزه‌های وحیانی پیامبران الهی و امامان، راهنمای وضع مطلوب در کارها برای جهانیان است. انسان‌ها می‌توانند بر اساس این منابع الهام‌بخش، کار محبوب و غیرمحبوب را بشناسند و با این معیاری که در موعظه حضرت مسیح علیه‌السلام اعلام شده است، رفتار خویش را تنظیم کنند.

گزارش

سکانس «آقازاده» در نمای شهر

گزارشی از پشت صحنه یک سریال شبکه نمایش‌خانگی که این روزها در مشهد مقابل دوربین رفته است

رضا زوزنی| چندروزی است که عوامل سریال «آقازاده» که برای پخش در شبکه نمایش خانگی تولید می‌شود، به مشهد آمده‌اند و در یکی از هتل‌های شهر، مشغول تصویربرداری بخش‌هایی از این سریال هستند. تا اینجای کار می‌دانیم که یک بازیگر مشهدی و یک خانم بازیگر که نامشان تا زمان پخش در شبکه نمایش خانگی محفوظ است و نقش کلیدی هم دارد، درکنار امیر آقایی و کامبیز دیرباز در این سریال حضور دارند.

گفته می‌شود این سریال غیر از مشهد در تهران و شمال کشور هم تصویربرداری می‌شود و حامد عنقا، نویسنده و تهیه‌کننده آن، به‌دلیل ارادتش به علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) کار بخش خارج از تهران سریال جدیدش را از مشهد آغاز کرده است. بهرنگ توفیقی که چهارمین همکاری خود را با عنقا تجربه می‌کند، کارگردان این سریال است. پیش‌تر از این، سه سریال «انقلاب زیبا»، «پدر» و «بر سر دوراهی» را در تلویزیون دیده بودیم و حال این اولین تجربه مشترک گروه یادشده در شبکه نمایش خانگی است.

عنقا بعد از قریب به یک دهه، دوباره به شبکه نمایش خانگی روی آورده است. در نخستین تجربه او، سریال «قلب یخی» به کارگردانی محمدحسین لطیفی پخش شد که تنها دو فصل از آن توزیع شد و دیگر ادامه پیدا نکرد. از سبک کاری و نمونه متونی که عنقا کار کرده است، به نظر می‌رسد «آقازاده» نیز پیچیدگی‌های منحصربه‌خود را داشته باشد که باید منتظر توزیع آن ماند.

در یکی از شب‌هایی که گروه مشغول تصویربرداری بودند، به پشت‌صحنه کار سری زدیم و با عوامل سریال گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

چند نما از عکس‌های پشت صحنه سریال نمایش خانگی «آقازاده»، عکاس: محمد دارایی

● «آقازاده» و فریادی از دل جامعه

بر اساس آنچه از ماجرای پشت این فیلم دستگیرمان شد، «آقازاده» یک عاشقانه اجتماعی است و داستان آدم‌هایی را تعریف می‌کند که از نظر عموم جامعه، شایستگی و لیاقت زندگی مرفهانه را ندارند و با پا گذاشتن روی آدم‌هایی که ضعیف‌ترند و با استفاده از رانت‌ها و موقعیت پدرانشان، به یک زندگی تجملاتی دست پیدا کرده‌اند. درواقع این فیلم قرار است فرصتی را برای نشان دادن چهره دوست‌نداشتنی این افراد فراهم کند. به نظر می‌رسد طرح معضل آقازادگی که چندین سال است جامعه ما را درگیر و مسئولان را به خود مبتلا کرده، در این سریال مورد توجه قرار گرفته است.

با اینکه به غیر از همان چند خط ابتدایی چیز دیگری از داستان نمی‌توان گفت، این نکته حدس‌زدنی است که تجربه مشترک عنقا و توفیقی یک اثر پیچیده و جذاب خواهد بود که قرار است خواب را از سر بینندگانش بپراند. این پیچیدگی را می‌توان از شیوه دکوپاژی که توفیقی در فیلم‌برداری سریال آن را مدیریت می‌کرد، فهمید. تکرار تصویربرداری یک حرکت از زاویه‌های مختلف، این امکان را به کارگردان می‌دهد که روایتش را غیرخطی کند و هر برداشت را در قسمتی به نمایش بگذارد تا به این وسیله، اطلاعات جدیدتری از سریال دراختیار مخاطب قرار دهد.

● پشت‌صحنه و یک آرامش آموزنده

تصور کنید کامبیز دیرباز مقابل امیر آقایی نشسته است و مشغول پوست کندن یک پرتقال است که تلفن زنگ می‌خورد و دیرباز از جایش بلند می‌شود، به طرف تلفن می‌رود و به آن پاسخ می‌دهد. تصویربرداری همین چند حرکت به‌علاوه یک نمای بسته از امیر آقایی که بازی دیرباز را دنبال می‌کند، تقریبا یکی‌دو ساعتی زمان می‌برد. این چند نمایی که وصفش را خواندید، شاید تنها ۳۰ ثانیه از سریال بیست‌وچندقسمتی «آقازاده» باشد که بخشی از آن در مشهد درحال آماده‌سازی است. پلان‌های متنوع و متعدد، عوض کردن جای دوربین و نور، اصلاح گریم، گفت‌وگوی بازیگران با کارگردان و تکرار هر نما، فیلم‌سازی را به یکی از مشاغل زمان‌بر تولید آثار هنری در جهان تبدیل کرده است. این صرف زمان در طول پخش سریال یا فیلم سینمایی را مخاطب احساس نمی‌کند، اما برای عوامل سازنده فیلم، می‌تواند فرساینده باشد و این فرسایش زمانی رخ می‌دهد که کارگردان هم خودش نداند که چه چیزی می‌خواهد. فرسایش زمان و کند گذشتن آن در پشت‌صحنه «آقازاده» نه برای عوامل رنج‌آور بود و نه برای ما که چندساعتی میهمان آن‌ها بودیم. این آرامش را که در وجود همه عوامل دیده می‌شد، باید مرهون آرامش و صبری دانست که بهرنگ توفیقی به کار داده است. او با اینکه کار پیچیده‌ای را انجام می‌داد، بدون هیچ تنش و ناراحتی که این روزها در فیلم‌سازی و سینما مد شده است، با بازیگران و عواملش گفت‌وگو می‌کرد و نظر آن‌ها را می‌شنید. این آرامش در رفتار و برخورد خود عنقا نیز وجود داشت که می‌تواند یک درس و الگو برای فیلم‌سازهای جوان باشد.

● دیرباز و مغناطیس مشهدالرضا

در خلال کار تا گروه مشغول ضبط تصاویر مربوط به بازی امیر آقایی و آن بازیگر خانم -که نامش محفوظ است- شدند، با دیرباز به گفت‌وگو نشستیم. از او درباره چهارمین همکاری‌اش با بهرنگ توفیقی پرسیدیم و اینکه بگوید آقازاده کیست. دیرباز گفت که «آقازاده» نیست ولی احتمالا یکی از شخصیت‌های اصلی کنار اوست.

او همچنین گفت که در کارهایش تلاش کرده است از تیپ بودن دوری کند، همچنان که در سریال‌ها معمولا این اتفاق می‌افتد و نقشی که او بازی می‌کند، به یک شخصیت تمام‌عیار تبدیل می‌شود: «معمولا در سریال‌ها، کاراکترها از حالت تیپ خارج می‌شوند و شخصیت خودشان را می‌یابند. متنی هم که حامد عنقا نوشته است، به بازیگر کمک می‌کند که شخصیت نقشش را بهتر بیابد.» متن، بیشتر از هر چیزی برای دیرباز مهم است و قالب فیلم، اینکه سریال باشد یا سینمایی، برای او توفیری نمی‌کند. با اینکه او گمان می‌کند این سریال به‌خاطر موضوع داغ و ملتهبش به تلویزیون راه پیدا نکند، بازهم میان شبکه نمایش خانگی و تلویزیون به‌دنبال نقش و متن خوب می‌گردد: «بدون شعار بگویم برای من، قالب(مدیوم) فرقی نمی‌کند. برایم متن خوب و کاراکتر خوب اولویت دارد، حتی سریال یا سینمایی بودنش هم تفاوت نمی‌کند.» به گفته دیرباز زمان عقد قرارداد تنها شش هفت قسمت از فیلم‌نامه نگارش شده بود و این اعتماد دوطرفه میان کارگردان و نویسنده با بازیگران وجود داشت که آن‌ها پذیرفتند در این سریال بازی کنند.

او فکر می‌کند نویسنده فیلم‌نامه خواسته است ببیند چه بازیگرانی برای نقش‌هایشان انتخاب می‌شوند تا براساس شخصیت و نوع نگاه آن‌ها به کاراکتر، ادامه فیلم‌نامه را بنویسد: «فکر می‌کنم یکی از دلایل حامد عنقا برای تمام نکردن نگارش فیلم‌نامه همین باشد. الآن هم فیلم‌نامه داغ‌داغ به دست ما می‌رسد و فکر می‌کنم تا حدود ۲۰ قسمت از آن نگارش شده باشد، با اینکه همه ماجرا را می‌دانم. البته تقریبا می‌شود گفت که به‌جز حامد عنقا کسی نمی‌داند قصه از کجا به کجا می‌رود و حتی شخصیت‌هایی داریم که روزبه‌روز به کار اضافه می‌شوند اما او این فرصت را برای بازیگر فراهم می‌کند که همراه با تماشاگر به کشف اتفاقات و موقعیت‌ها برسد. عنقا هم آن‌قدر ذهنش باز است و به بازیگرانش اعتماد دارد که حتی ایده بعضی سکانس‌ها را از بازیگران می‌گیرد و به فیلم‌نامه اضافه می‌کند.»

وجود مغناطیس‌گونه حرم امام‌رضا(ع) و علاوه بر آن وجود آسایشگاه شهید فیاض‌بخش، دو جاذبه‌ای است که دیرباز را به مشهد می‌کشاند. او باور دارد چه آن‌هایی که به‌عنوان زائر به این شهر مسافرت می‌کنند و چه آن‌هایی که به دلایلی دیگر، روحیاتشان از وجود مغناطیسی همچون بارگاه رضوی متاثر است و همه‌چیز حول آن نقطه مرکزی می‌چرخد.

به تعبیر این بازیگر سینما و تلویزیون، کودکانی که در آسایشگاه شهید فیاض‌بخش نگهداری می‌شوند، «فرشته‌های بدون بال خداوند روی زمین» هستند و او از مخاطبان شهرآرا می‌خواهد که درکنار زیارت امام‌رضا(ع)، سرکشی از آن‌ها را فراموش نکنند.

امیر آقایی نیز مشغول تمرکز بر پلانی است که بازی می‌کند. او مدام در حال حفظ دیالوگ‌ها و گفت‌وگو با عنقاست و سپس مقابل دوربین می‌رود.

اگر وقفه‌ای هم در کار می‌افتد، روی تمرین دیالوگ‌ها متمرکز است و کاملا می‌شود احساس کرد که چقدر این نقش را جدی گرفته است؛ نکته‌ای که عوامل پشت‌صحنه نیز به آن واقف هستند.

سینا مهراد، بازیگر مشهدی سینما و تلویزیون باوجود اینکه در این سکانس بازی نمی‌کند، به صحنه آمده است و ترجیح می‌دهد لحظه‌ای از حس‌وحال «حامد»ی که این‌بار آن را ایفا می‌کند، فاصله نگیرد.

● دغدغه موضوع اجتماعی و حیا

در فاصله کوتاهی پیش از ترک گروه، فرصتی دست می‌دهد تا با طراح، نویسنده و تهیه‌کننده «آقازاده» گپ بزنیم.

ترکیب پروپیمان بازیگران این فرضیه را به ذهن می‌آورد که سریال سرمایه سنگینی دارد، موضوعی که عنقا درباره‌اش توضیح می‌دهد: کار ما بسیار ارزان‌تر از کارهای مشابهی است که تولید می‌شود. بسیاری از بازیگران به‌دلیل حس اعتمادی که بینمان وجود داشت، از نظر دستمزد، همراهی و رفاقت کردند.

حضورمان دربین عوامل «آقازاده» و گپ‌وگفت با عنقا به مطرح کردن این سوال از او منجر می‌شود که شنیده شده است او این کار را با مشارکت سازمان هنری اوج می‌سازد. عنقا با تایید این موضوع می‌گوید: اصل سرمایه‌گذاری ما فکری و به‌دلیل هم‌عقیده بودنمان بوده است. این قصه پیچیده که به مسائل اجتماعی می‌پردازد و نگاهی به موضوع حیا دارد، دغدغه ذهنی من بود و درباره آن جلسات متعددی با مدیران اوج گذاشتیم تا آن‌ها هم با قصه همراه و هم‌قدم شدند. این کار از روز اول با مشورت، هم‌فکری و همراهی مدیران سازمان هنری اوج پیش رفت و ما باهم، هم داستان شدیم. «آقازاده»، هم اولین ورود اوج به شبکه نمایش خانگی به‌حساب می‌آید و هم اولین تجربه این سازمان برای مشارکت با بخش خصوصی است. این همراهی هرچند نوعی مشارکت در مسائل مالی و سرمایه‌گذاری است، بیش از همه هم‌فکری و هم‌قدمی در مسیری است که هر دو طرف به آن اعتقاد داشته‌ایم.

همراه با فجر ۹۸

بازماندن «شهربانو» از جشنواره فجر

مریم بحرالعلومی، کارگردان «شهربانو»، باوجود اینکه فرم حضور در جشنواره فیلم فجر ۹۸ را پر کرده است، از نرسیدن فیلمش به جشنواره خبر داد.

این کارگردان در گفت‌وگو با صبا گفته است: تولید این فیلم را به‌ناچار با سرمایه شخصی پیش بردیم و همچنان پیگیر کمک و حمایت مالی هستیم اما همین موضوع باعث شد زمان و امکان آماده‌سازی «شهربانو» را برای رسیدن به جشنواره فیلم فجر از دست بدهیم. امیدوارم با اتفاقاتی که در جریان تولید می‌افتد، اولین نمایش «شهربانو» در سی‌وهشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر باشد.

«شهربانو» فیلمی اجتماعی است که نگاهی منتقدانه به معضلات خانوادگی دارد و فیلم‌نامه آن را با هدف تحکیم بنیان خانواده، پژمان تیمورتاش به نگارش درآورده است.

بحرالعلومی در سی‌وششمین جشنواره جهانی فیلم فجر، سیمرغ بهترین کارگردانی بخش جلوه‌گاه شرق را برای نخستین فیلمش «پاسیو» گرفت. همچنین فرشته صدرعرفایی، بازیگر نقش اول «شهربانو»، در جشنواره فیلم فجر ۹۷ سیمرغ بهترین بازیگر نقش مکمل زن را برای بازی در «شبی که ماه کامل شد» دریافت کرد.

«قاتل وحشی» به جشنواره فجر می‌رسد

درحالی که فیلم‌برداری «قاتل وحشی» به کارگردانی حمید نعمت‌ا... مدتی متوقف شده بود و باتوجه‌به این موضوع، احتمال نرسیدن آن به جشنواره فیلم فجر امسال مطرح می‌شد، درنهایت روز گذشته برخی از عوامل فیلم در صفحات شخصی خود در اینستاگرام، از پایان فیلم‌برداری این فیلم خبر دادند.

هم‌زمان با فیلم‌برداری «قاتل وحشی»، هایده صفی‌یاری آن را تدوین کرده و فیلم حمید نعمت‌ا... برای جشنواره فجر آماده خواهد شد. همچنین نسخه‌ای از فیلم در روزهای آینده به هیئت انتخاب آثار جشنواره ارائه می‌شود.

لیلا حاتمی، امین حیایی، شهرام حقیقت‌دوست و ستاره اسکندری، بازیگر خراسانی سینمای ایران، بازیگران اصلی این فیلم هستند و حمید نعمت‌ا... و عباس نادران به‌صورت مشترک تهیه‌کنندگی آن را برعهده دارند. فیلم‌نامه این اثر سینمایی را نیز که در ژانر جنایی ساخته شده، معصومه بیات به نگارش درآورده است.